

همه‌گیری^۱ بیماری‌های واگیر در سرزمین گرگان (استان گلستان)



رحمت ا... رجایی^۲

ایران و جهان در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۸ و تمام سال ۱۳۹۹ درگیر بیماری کشنده و مرگبار کرونا (کووید ۱۹) بود که همه جا و همه چیز را تحت تأثیر قرار داده و هزاران نفر را به کام مرگ کشاند.^۳ اما این نخستین بار نیست که بیماری‌های واگیر، شیوع یافته و فراگیر در سطح جهان می‌گردد و سایه شوم مرگبار خود را بر روی همه می‌گستراند. جهان و از جمله کشور ایران، تاکنون بیماری‌های بسیاری به خود دیده که بررسی آنها می‌تواند به ما در شناخت بیماری‌های امروز و حتی چگونگی مقابله با آنها کمک کند.

شیوع بیماری‌های واگیر در ایران، نقطه به نقطه این سرزمین کهن را آلوده می‌کرد و مرگ بسیاری از هموطنان را سبب می‌شد. سرزمین گرگان (استان گلستان) به عنوان بخشی از ایران بزرگ، همواره درگیر بیماری‌های مسری و خطرناک بسیاری بود که در طول تاریخ رد آن را می‌توان پیدا کرد. این مقاله صرفاً به بررسی برخی بیماری‌های واگیر که در مقطعی جنبه اپیدمی در محدوده سرزمین گرگان (استان گلستان) در دوران معاصر (از ابتدای تأسیس سلسله قاجار ۱۱۷۴هـ.ش تا پایان سال ۱۳۵۷) پیدا کردند در حد اسناد و مدارکی که تاکنون نگارنده دیده است می‌پردازد.

۱. Epidemic.
۲. پژوهشگر تاریخ و فرهنگ
سرزمین گرگان و روزنامه نگار.
۳. تا آخر فصل پاییز ۱۳۹۹ تعداد ۷۰ میلیون ۹۵ هزار نفر به بیماری کرونا مبتلا شده و یک میلیون نفر جان خود را از دست دادند. در ایران هم یک میلیون ۱۰۰ هزار و ۸۱۸ نفر مبتلا گردیده و ۵۱ هزار و ۹۴۹ نفر هم جان خود را از دست دادند. (روزنامه همشهری یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۹) در آخر مهر سال ۱۳۹۹ اعلام شد. هزار نفر در سرزمین گرگان (استان گلستان) در اثر این بیماری درگذشتند (روزنامه گلشن مهر ۲۸ مهر ۱۳۹۹) علاوه بر این ۶ نفر از کادر حوزه علوم پزشکی هم گرفتار مرگ بر اثر کرونا شده و به عنوان شهید مدافع سلامت استان گلستان معرفی شدند. در روز سه شنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۹ اعلام گردید تعداد ۵۰۷ نفر در بیمارستان‌های استان در حال بستری هستند که ۱۰۳ نفر آنها بستری در بخش ویژه و ۴۸ نفر وصل به دستگاه ونتلاتور ventilator هستند. همچنین اعلام شد طی ۲۴ ساعت گذشته ۱۰ نفر به علت ابتلا به کرونا جان خود را از دست دادند.

در عصر قاجار (۱۳۰۴-۱۱۷۴ه.ش) شاهد بیماری‌های مختلف از جمله طاعون وبا، آبله، دیفتری، حصبه و تیفوس، آنفلونزا، تب نوبه (مالاریا) و... هستیم. در این دوره، برای نخستین بار، تشکیلات بهداشتی و درمانی ایران شکل می‌گیرد و مجلس حفظ‌الصحه در سال ۱۲۹۸ه.ق تأسیس می‌گردد و نخستین مأموران آن روانه ایالات و ولایات کشور از جمله استرآباد می‌گردند. شکل‌گیری این تشکیلات و حضور مأموران حفظ‌الصحه سرآغازی برای مقابله با بیماری، درمان و گسترش بهداشت است. طاعون و وبا دو بیماری مسری مهم در عصر قاجار بود که مشکلات بسیاری را ایجاد کرده بودند.

در دوران پهلوی (۵۷-۱۳۰۴) شاهد شکل‌گیری نهادهای بهداشتی و درمانی در سطح گرگان و دشت گرگان هستیم. تأسیس بیمارستان گرگان (پهلوی - ۵ آذر) در سال ۱۳۱۵ ه.ش اختصاص قصر رضاشاهی به مرکز درمانی در گنبد کاووس و راه اندازی مرکز بهیاری بویه در گرگان در سال ۱۳۴۶ ه.ش از اقدامات مهم این دوران بود. به رغم پیشرفت‌های بهداشتی و درمانی این دوران، شاهد شیوع برخی بیماری‌های واگیر هستیم که تیفوس در سال ۱۳۱۶ ه.ش و تب راجعه در سال ۱۳۲۴ ه.ش در مناطق شمالی از مهمترین آنها بودند.

اپیدمی طاعون

طاعون (plague) یکی از بیماری‌های واگیر عفونی مشترک میان حیوان و انسان است. عامل این بیماری باسیل یرسینیا پستیس (yersinia pestis) است. طاعون اگرچه قدمتی به درازای تاریخ دارد اما برای نخستین بار توسط الکساندر یرسین در سال ۱۸۹۴م در انستیتو پاستور کشف شد. طاعون یکی از بیماری‌های واگیر در ایران از جمله استرآباد بود. این بیماری دارای انواع گوناگون است که متداول‌ترین آن طاعون خیارکی است که از طریق کک و موش به انسان منتقل می‌گردد. در سنه ۱۲۴۷ ه.ق در اکثر بلاد ایران و روم ناخوشی طاعون به هم رسید. در استرآباد ده دوازده هزار خلق نفر تلف شدند. طاعون موجب فرار مردم شد، به سبب نزدیکی استرآباد به بسطام، صد و پنجاه نفر در آنجا هم تلف می‌شوند. (ناطق، ۱۳۴۸، ۱۴)

در سال ۱۸۳۳م در استرآباد شاهد طاعون مرگبار هستیم. توصیف ستوان الکسس بارنز سیاح انگلیسی که خود در این سال از شهر استرآباد بازدید کرد می‌تواند ما را از عمق فاجعه آگاه کند وی می‌نویسد: «در شهر استرآباد، ما در کاروانسرای فرود آمدم و دو شبانه روز غم انگیز را در این شهر طاعون زده به سر آوردیم. این بلا در سال گذشته شهر را ویران کرده بود. من با حالی گرفته در خیابان‌های متروک شهر پرسه زدم. نیمی از دکان‌ها و منازل به واسطه فوت صاحبان آنها بسته بود و کل جمعیت شهر بیش از چهار هزار نفر بود. در این جا بیماری با شدت هولناکی کولاک کرده بود و از بعضی خانواده‌های ده تا دوازده نفری، بیش از دو یا سه نفر باقی نمانده بودند. در هر مورد که غده بیماری می‌ترکید، او از مرگ نجات می‌یافت ولی لکه‌های وحشتناکی به عنوان علائم شوم مرض، بر روی پوست باقی می‌ماند.

این علائم همچون اثر ناشی از اصابت گلوله به نظر می رسید و تقریباً این تصور به انسان دست می داد که اگر چه بیماری اکنون ناپدید شده است ولی گوئی این مردم با مرگ مانوس شده اند. تابوتی که برای حمل و [به] خاک سپردن مردگان از آن استفاده می شد در کنار راه قرار داشت. عده ای را دیدم که در کنار چاهی در خیابان نزدیک یک دکان میوه فروشی، جسدی را می شستند. از این صحنه به سرعت دور شدم و موقعی که از خیابان های خلوت می گذشتم فقط صدای سم های اسبم منعکس می شد.» (بارنز، ۱۳۶۶، ۸۵)

ویلم فلور پژوهشگر هلندی، خبر از وقوع طاعون در سال ۱۸۷۷ در سواحل خزر و خراسان می دهد. البته او طاعون را بیماری اندمیک ایران نمی داند چرا که به جز سواحل خزر و بندرهای جنوبی موش در ایران پراکندگی نداشت و ناقلین غیرانسانی دیگر دیده نمی شود. (فلور، ۱۳۸۶، ۲۴)

اپیدمی وبا در جنگ جهانی اول

وبا، cholera یک عفونت روده باریک است که از طریق آب توسط باکتری ویبریوکلرا ایجاد می شود. این باکتری با نوشیدن آب آلوده یا خوردن ماهی نپخته یا خوردن صدف ها وارد بدن می شود. بیماری وبا اگر چه می توانست از طریق نواحی اطراف اعم از داخل و خارج از ایران (روسیه) وارد استرآباد (گرگان) گردد ولی وجود آب های آلوده و استفاده مردم از آن، همچنین خوردن ماهی نپخته، محیطی مساعد برای شیوع بیماری در استرآباد فراهم می کرد. روزنامه وقایع اتفاقیه در خبر روز پنج شنبه شانزدهم محرم سال ۱۲۷۰ ه.ق می نویسد: از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند ناخوشی وبا در آنجاها شدت داشته ولیکن این اوقات تخفیف یافته است. «گفته شده وبای سال ۱۲۷۹ ه.ق از استرآباد شروع شد و به دیگر نقاط شیوع یافت.» (ناطق، ۱۳۴۸، ۱۶)

یکی از مهمترین رویدادها در بررسی همه گیری بیماری ها در سرزمین گرگان، شیوع بیماری وبا (کلرا) در فاصله سال های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۷ ه.ق است. وبا در شرایطی شیوع پیدا می کند که جهان در جنگ جهانی اول ۱۸-۱۹۱۷ م می سوخت و بیماری آنفلونزای اسپانیایی، افراد بسیاری را در جهان و ایران در کام مرگ فرو می برد. شیوع بیماری آنفلونزای اسپانیایی که سوغات نیروهای روسی، انگلیسی و عثمانی برای ایرانیان بود به قول مردم عادی «ناخوشی بادی» بود که به همراه جنگ و قحطی در ایران وزیدن گرفت، همین امر سبب رواج شعر عامیانه «ای سال برنگردی» شد که نگرانی مردم را می توان از آن یافت!

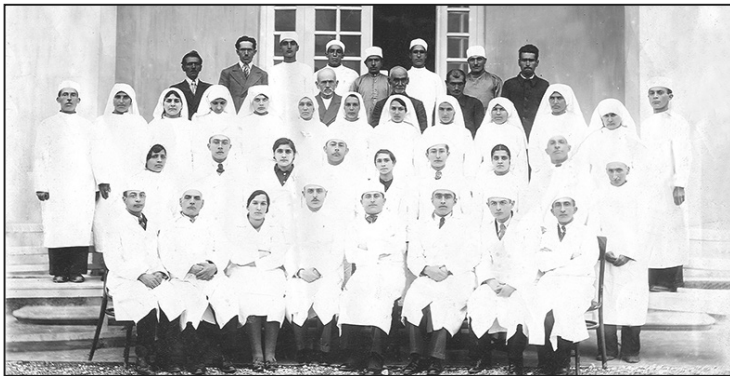
به دست آوردن اسناد و مدارک از اپیدمی بیماری وبا در این سالها نیازمند پژوهش بیشتر است اما آنچه که به ما اطلاعاتی از وجود این بیماری و تأثیرات ناشی از آن می دهد، گزارش های حسینیقلی مقصودلو معروف به وکیل الدوله، مخبر انگلیسی ها در استرآباد است. وی در گزارش خود از بیماری کلرا (وبا) نام می برد، به گفته وکیل الدوله کلرا، از خطه آمل الی استرآباد از شاهرود الی خراسان را در بر می گرفت. (مقصودلو، ۱۳۶۳، ص ۵۵۴)

میداد

گزارش‌های وجود این بیماری متعلق به ۲۳ جولای ۱۹۱۷م/۱۳۳۶ه.ق تا یک سال بعد یعنی ۸ جولای ۱۳۳۷/۱۹۱۸ است. در گزارش ۲۳ جولای وکیل الدوله آمده است «به عرض رفته بود در انزان توابع [مرض کلرا] شیوع دارد. نوکنده بیست و چهار نفر زن و مرد تلف شدند، لیوان بیست و هشت نفر در گلوگاه تازه بروز نموده تاکنون به شهر و اطراف اثری نیست. (مقصودلو، ۱۳۶۳، ۵۵۰) بررسی گزارش‌های وکیل الدوله نشانگر آن است که نخستین بار وبا در غرب استرabad بلوک انزان (بندرگز) شیوع یافته و نخستین تلفات از آنجا بود و احتمالاً از همین مسیر هم به دیگر نقاط سرایت می‌کند. از جمله در شهر استرabad هم، بیماری از طریق طایفه جعفریانی شیوع یافت. (مقصودلو، ۱۳۶۳، ۵۵۴)

از اقدامات انجام شده در مقابله با این بیماری، اسنادی را نگارنده مشاهده نکرده است ولی می‌توان حدس زد با توجه به درگیری پایتخت و نواحی مرکزی ایران با بیماری آنفلونزای اسپانیایی، حضور بسیار اندک مأموران حفظ الصحة در استرabad و فقدان مدیریت و تشکیلات لازم، فعالیت چندان صورت نگرفت. فقط رفتن اهالی ایران را به خاک روسیه ممنوع شد و به اصطلاح قرنطینه ایجاد گردید. وکیل الدوله در این باره می‌نویسد: «برای بروز ناخوشی کلرا دولت علیه برحسب تمنای دولت روس قدغن اکید نموده است، اهالی ایران را به خاک روسیه راه ندهند و تذکره هم نمی‌دهند مجدداً برای رفت آمد، تراکمه گموش تبه و حسینقلی و ساکن چکشلر که آب شیرین ندارد باید از خواجه نفس برای آنها پالکا آب ببرند، قدغن شده قراول گذارده پراخوت پست قدغن شده سه هفته توقیف است.» (مقصودلو، ۱۳۶۳، ۵۵۲) عدم تردد به روسیه سبب شد تا ارزش اسکناس روس سقوط کند، کسی آن را نخرد و صد عدد، چهار تومان نیم بشود. (مقصودلو، ۱۳۶۳، ۵۵۶)

علاوه بر این نیروهای روسیه، شهر استرabad را ترک و از آن خارج می‌شوند. وکیل الدوله می‌نویسد: «هفتصد نفر عده قزاق‌های روس می‌شود که تماماً توی شهر و کنار بدنه منزل



کارکنان بیمارستان پهلوی گرگان (۱۵ذر فعلی) به همراه دکتر مسکوب

داشتند از ترس ناخوشی شهر را تخلیه نموده و تماماً در بیرون شهر اردو رفته منزل نمودند. (مقصودلو، ۱۳۶۳، ۵۵۵ و ۵۵۶) در این ماجرا ده نفر از آنها بر اثر ابتلا به مرض کلرا فوت می‌کنند. در این شرایط مردم بی‌دفاع، فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند و یک ثلث اهالی، شهر را، از ترس ترک می‌کنند و به بیرون شهر و جنگل پناه می‌برند. (مقصودلو، ۱۳۶۳، ۵۵۴) به گزارش وکیل‌الدوله در این زمان، یک عده اجزاء توپخانه و صاحب منصبان یا [کسانی که در] مریض‌خانه دولتی منزل داشتند یا با تمام لوازم خود از میان شهر حرکت نموده به اردوی بیرون شهر رفته، بیشتر یا از ترس مرض کلرا از شهر خارج شده یا اینکه عزیمت به روسیه دارند. وکیل‌الدوله گزارش می‌دهد تمام قشون دولتی راه انژکسیون [انجیکسیون] نموده‌اند. (مقصودلو، ۱۳۶۳، ۵۵۶ و ۵۵۷)

آمار تلفات ناشی از وبا براساس گزارش حسینی مقصودلو (وکیل‌الدوله)

نام مکان	تعداد تلفات	زمان گزارش	نام، محله، شهر و...	تعداد تلفات	زمان گزارش
نوکنده	۲۴ نفر	۲۳ جولای ۱۳۳۶/۱۹۱۷	سریر	یک زن	۶ سپتامبر ۱۳۳۶/۱۹۱۷
لیوان	۲۸ نفر	۲۳ جولای ۱۳۳۶/۱۹۱۷	درینو	۳ نفر	۶ سپتامبر ۱۳۳۶/۱۹۱۷
نوکنده	۳۰۰ نفر	۲۰ اگست ۱۳۳۶/۱۹۱۷	بني کریمی	۲ نفر	۶ سپتامبر ۱۳۳۶/۱۹۱۷
لیوان	۲۰۰	۲۰ اگست ۱۳۳۶/۱۹۱۷	شهر استرئاد	۱۰ نفر	۲۰ سپتامبر ۱۳۳۶/۱۹۱۷
باغوف	۲۹	۲۰ اگست ۱۳۳۶/۱۹۱۷		۸۰ نفر	۲۰ سپتامبر ۱۳۳۶/۱۹۱۷
گلگاه	۸۰	۲۰ اگست ۱۳۳۶/۱۹۱۷		۲۰۰ نفر	۴ اکتبر ۱۳۳۶/۱۹۱۷
سرخی‌کلاته	۶۰	۲۲ اکتبر ۱۳۳۶/۱۹۱۷		۴۰۰ نفر	۲۲ اکتبر ۱۳۳۶/۱۹۱۷
کرده‌محله	متجاوز از ۲۰۰	۸ جولای ۱۳۳۷/۱۹۱۸	استرئاد	۳ نفر	نوامبر ۱۳۳۶/۱۹۱۷

وبای التور در شهرستان گرگان

تا سال ۱۳۴۴ گزارشی از وجود وبا در منابع، توسط نگارنده مشاهده نشده است اگر هم وجود داشت بسیار محدود بود. اما در سال ۱۳۴۴ شاهد وبا در سطح شهرستان گرگان هستیم. روزنامه اطلاعات در روز شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۴۴ می‌نویسد: «بیماری التور در قریه سیدمیران که اولین منطقه شیوع این بیماری در اطراف گرگان بود متوقف شده و به زودی مقررات قرنطینه در این قریه ملغی خواهد شد. با ایجاد یک بیمارستان صحرائی از طرف شیر و خورشید سرخ در این قریه مبتلایان تحت معالجه قرار گرفته و بهبود یافتند و در حال حاضر فقط دو سه نفر بیشتر در این بیمارستان صحرائی بستری نمی‌باشند، داروخانه بیمارستان صحرائی کاملاً مجهز است و برای آنکه اهالی قریه، آب آلوده مصرف نکنند، به وسیله اتومبیل برای آنها آب سالم آورده می‌شود و در اختیارشان قرار می‌گیرد. همچنین به وسیله مامورین، نکات بهداشتی به اهالی قریه تذکر داده می‌شود و فعالیت شیر و خورشید سرخ گرگان تابع‌حال در معالجه بیماران و جلوگیری از شیوع بیشتر بیماری التور کاملاً موثر بوده است».

اسدالله معینی در کتاب خود در این زمینه می‌نویسد: «اولین جایی که در شهرستان گرگان [وبا] دیده شد ده سیدمیران و بعد قلعه حسن بود. منطقه گرگان را هم دولت قرنطینه اعلام کرد. او تعداد بیماران مبتلا در سال ۱۳۴۴ را ۶۰۰ نفر و تعداد قریه‌های آلوده را ۳۲ تا ۳۶ مورد ذکر می‌کند و

میرداد

همچنین می‌نویسد، «در گرگان صف‌های طولی را مشاهده کرده که یا کپسول از طرف مقامات مقداری به آنها می‌دادند و یا برای واکسیناسیون ایستاده بودند» (معینی، ۱۳۴۴، ۴۲۳)

تیفوس در گمش تپه

یکی از رویدادهای بهداشتی و درمانی عصر رضاشاه، شیوع بیماری تیفوس در گمش تپه در سال ۱۳۱۶ است. تیفوس (Typhus) بیماری حاد تب‌دار ناشی از گزش موجودات آلوده از جمله شپش و موش است که به انسان منتقل می‌شود و مشترک میان انسان و حیوان است. در گزارشی به تاریخ ۱۳۱۶/۲/۲۷ روسای بهداری گرگان، بندرشاه و کردمحلّه برای جلوگیری از مرض به گمش تپه رفتند آنها چون وسایل معالجه نداشتند یک روز بیشتر توقف نمی‌کنند و قرار گذاشته می‌شود پس از تهیه وسایل لازم مجدداً به گمش تپه بازگردند. در این گزارش نوشته شده [تعداد] مبتلایان زیاد هستند. اگرچه این اقدام طی نامه‌ای مورد مخالفت رئیس الوزراء قرار می‌گیرد و این نوع رفتن (نبردن وسایل) را به جز اینکه گردشی کرده و خرجی نموده بی‌فایده می‌داند اما باعث توجه به شیوع بیماری می‌گردد. چنانچه رئیس کل بهداری خود به منطقه می‌آید و اقداماتی در مبارزه با بیماری انجام می‌دهد. در بخش از نامه رئیس کل بهداری به تاریخ ۱۳۱۶/۳/۱۳ آمده است.

«وقتی خبر وجود تیفوس در گمش تپه رسید به پزشکان بهداری گرگان و کردمحلّه، بندرشاه برای رفتن به محل مزبور دستور اظفا وارد شد. اینجانب شخصاً در آن حدود بوده و از نواقص وسایلی که جهت جلوگیری از مرض تیفوس در بین بود اطلاع حاصل نموده و به همین جهت بود که به فوریت مراجعت و روز ۱۳۱۶/۲/۳۰ نیز مبلغ پنج هزار ریال برای تهیه وسایل لازمه تلگرافاً حواله نمود که هیئت اعزامی به گمش تپه دریافت و در اظفاء مرض لازمه مراقبت را به عمل آوردند پس از وصول وجه مزبور اقدامات لازمه نموده‌اند و از انتشار و سرایت مرض به دیگران جلوگیری شده است.» (سند شماره ۱) اقدامات انجام شده سبب گردید تا دکتر عباسیان طی تلگرافی به بهداری کل تهران اعلام کند که «مرض تیفوس در گمش تپه به کل مرتفع گردید» (سند شماره ۲)

اپیدمی تب راجعه

از تیر ماه ۱۳۲۴.ش گزارش‌هایی از وجود بیماری‌های واگیر در مناطق ترکمن نشین سرزمین گرگان منتشر می‌گردد اگرچه در برخی از گزارش‌ها به طور مشخص از بیماری تیفوس و تیفوس اروپائی نام برده شده ولی بیشتر گزارش‌ها از شیوع بیماری تب راجعه سخن می‌گویند. تب راجعه (Relapsing fever)، نوعی بیماری عفونی تب‌دار و واگیردار است که با نیش کنه یا شپش منتقل می‌شود و فرد را مبتلا می‌کند.

روزنامه اطلاعات در روز پنجشنبه ۱۴ تیر ۱۳۲۴ نوشت: «بیماری واگیرداری در گمشان، خواجه نفس، بندرشاه [بندر ترکمن] و اطراف آن‌جا بروز نموده و عده‌ای مبتلا شده و تلفاتی هم داده است. امروز از طرف کنسولگری شوروی وسیله فرمانداری به بهداری اطلاع داده‌اند که بیماری مذکور را

پزشکان شوروی تیفوس اروپائی تشخیص داده که تاکنون در آسیا سابقه نداشته است. قبل از ظهر امروز، کمسیون در کنسولگری تشکیل، بیماری نامبرده را اهمیت زیادی داده و احداث قرنطینه و جلوگیری از آمد و رفت را لازم دانسته اند. از طرف بهداری فوراً عده ای پزشک و دارو به محل اعزام از طرف شوروی هم ۱۶ دستگاه حمام به اختیار ماموران بهداری گذارده شد و در بندرشاه کمسیون از پزشکان ایران و شوروی تشکیل گردیده که مبارزه نمایند.

دکتر مسکوب که به همراه دکتر مجاهدی از بندرشاه بازدید کرده بود در گزارش خود خبر از وجود ۱۴ نفر بیمار قابل ملاحظه (۲ نفر بیمار مشکوک به تیفوس، یک نفر بیمار مبتلا به اسهال خونی و بقیه هم مبتلا به مالاریا) می دهد و از تشکیل کمسیون در قونسولگری شوروی و گزارش سرهنگ لوی می گوید که بیماری را از نوع تب راجعه معرفی می کند و از نقاط آلوده این آمار را می دهد: گمیشان ۵۰۰ نفر، بصیرآباد ۲۰۰ نفر، قرقی متعدد، خواجه نفس ۲۰۰ نفر و بندرشاه ۸ نفر.

دکتر مسکوب می نویسد، کمسیون تصمیم به مجزا نمودن بیماران و مداوای آنها و رفع شپش می گیرد که برای مجزا نمودن، تشکیل بیمارستان ها موقت در نقاط آلوده و برای دفع شپش حمام های متحرک ایجاد که ۱۸ حمام توسط بهداری ارتش سرخ در اختیار گذاشته می شود و بهداری گرگان هم دارو و ده عدد تخت خواب برای بندرشاه تهیه می کند. (سند شماره ۳) استاندار استان دوم (دکتر نصر) طی نامه خیلی خیلی فوری در ۱۳۲۴/۴/۱۹ خطاب به نخست وزیر، شیوع بیماری تب راجعه در گمیشان، بندرشاه و خواجه نفس را اطلاع می دهد و نام خود خبر از ابتلای عده زیادی به بیماری، تلفات و تشکیل کمسیون فنی در بندرشاه می دهد و خواستار کمک می گردد. (سند شماره ۴)

نامه محرمانه وزیر کشور به وزارت بهداری در تاریخ ۱۳۲۴/۴/۲۰ حاکی از ابتلای قریب ۵۰۰ نفر به مرض تیفوس در گمیشان است. (سند شماره ۵) شیوع گسترده بیماری سبب می گردد تا استاندار استان دوم خود، به همراه علی آذری رئیس راه آهن شمال به مناطق آلوده سفر کند. وی در این سفر از بندرشاه، خواجه نفس، گمیشان و سپس گرگان بازدید و در بندرشاه در کمسیون پزشکان ایران و شوروی شرکت می کند. وی در بخشی از نامه خود به تاریخ ۱۳۲۴/۴/۲۱ پیرامون مسائل مطروحه این کمسیون به نقل از سرهنگ دوم لوی رئیس بهداری ارتش سرخ می نویسد: «مأمورین آنها در محل های آلوده، به مرض مشغول مبارزه می باشند و ۲۱ دستگاه اتو و برای ضد عفونی نمودن بالاپوش و لوازم بیماران و خانه ها و استحمام مبتلایان به کار برده شده و تقاضا داشتند که وسائل کافی از پزشک و پرستار و دوا و غذای بیماران و هیزم و بنزین و سایر لوازم از طرف دولت شاهنشاهی به فوریت فراهم و پزشکان ایران نیز جدا اقدامات لازمه را در دفع این بیماری بنمایند. متخصصین فنی شوروی چنین تشخیص داده بودند که این بیماری هم مانند تیفوس از شپش سرایت می کند که آقای رئیس بهداری گرگان و آقای دکتر کنی از تهران مأموریت در مطالعه بیماری واگیردار داشتند [و] معتقد بودند که چون تاکنون در نتیجه مطالعاتی که

علما نموده‌اند در ایران تب راجعه فقط از کک، کنه، ساس سرایت می‌نماید، بدون تجزیه و مطالعه جدی نمی‌توان امکان سرایت توسط شپش را قبول نمود به همین جهت امتحانات آزمایشگاهی در نظر گرفته‌اند که در تهران و مسکو به عمل خواهند آورد در هر حال چون وسیله سرایت هر چه باشد طریقه معالجه به وسیله نئوسالوارسال مورد قبول اطباء شوروی و ایرانی گردید پس از مذاکرات زیاد و تبادل نظر تصمیماتی اتخاذ گردید و نیازمندی‌های فعلی بهداری گران را به مرکز تلگرافاً به استحضار رسانید.» در نامه استاندار همچنین از کمک متصدی راه آهن شمال گفته شده و از عدم ارسال آنچه تقاضا گردید توسط وزارت بهداری گلایه شده است. (سند شماره ۶) استاندار همچنین طی نامه ای محرمانه و مستقیم به نخست وزیر از شیوع بیماری واگیر و وحشت اهالی و ضرورت توجه و جلب رضایت ترکمان‌ها (ساکنان نواحی آلوده) می‌نویسد. تب راجعه جز مناطق ترکمن نشین در گران هم دیده شده چنانچه در نامه وزیر بهداری به نخست وزیری آمده است تا تاریخ ۱۳۲۴/۴/۲۹ در تمام گران عده تلفات در بیمارستان ۵ نفر و در خارج یعنی در منازل اشخاص ۳۰ نفر بوده است.

گسترش بیماری و نامه‌های مسئولین سبب توجه وزارت بهداری به مناطق آلوده شده و آنها اقدام به اعزام درمانگاه سیار، پزشک، پزشکیار، حواله پول نقد، دارو، قماش پارچه و ... می‌کنند. تا پایان سال ۱۳۲۴ گزارش‌های متعددی از ورود این بیماری در سرزمین گران بخصوص بندر شاه، گمیشان و خواجه نفس وجود دارد. شیوع بیماری واگیر در مناطق ترکمن نشین در منابع محلی اعم از بیان خاطرات و کتاب هم آمده است. علاوه بر این بیماری‌ها که جنبه اپیدمی پیدا کردند، بیماری‌های واگیردار دیگری بودند که در سرزمین گران شیوع یافته و مشکلاتی را همواره ایجاد می‌کردند که حصبه، آبله، دیفتری، آنفلونزا و ... از جمله آنها بودند اما یکی از مهمترین این نوع بیماری‌ها مالاریا است که همواره در سطح منطقه وجود داشت.

مالاریا

مالاریا malaria یا تب نوبه، بیماری عفونی واگیر است که انگل آن توسط پشه آنوفل به انسان منتقل می‌گردد و فرد مبتلا را دچار تب و لرز بالا، سردرد، تهوع، استفراغ و درد و خستگی ماهیچه‌ای می‌کند. شرایط آب و هوایی معتدل و وجود باتلاق‌ها و نی‌زارها و آب متعفن در خندق‌ها، زمینه را برای تولید پشه در سرزمین گران فراهم می‌کرد از اینرو در تمام دوره‌ها، بیماری مالاریا در این منطقه دیده می‌شد. در واقع به قول ویلم فلور، مالاریا «مهمترین بیماری اپیدمیک در ایران قاجار بود. این بیماری توان فرسا در مواردی بسیار نیز کشنده بود و در تمام کشور به ویژه در سواحل تحت حاره‌ای خزر (گیلان، مازندران و استراباد) وجود داشت در منطقه مذکور به دلیل باران زایی آب و هوای تحت حاره‌ای و شالیزارهای آبی برنج هر فرد به مالاریا آلوده بود.» (فلور، ۱۳۸۶، ۱۰) مالاریا آحاد مردم از فقیر و غنی تا حاکم و مردم عادی را گرفتار خود می‌کرد چنانچه گوسو کنسول روسیه، خبر از ابتلای ایلخان استراباد در عصر قاجار

به بیماری مالاریا می‌دهد. (مکنزی، ۱۳۹۵، ۱۹۵)

روزنامه ایران در روز دوشنبه ۲۶ شعبان ۱۳۹۲ خبر از زیادی تب نوبه (مالاریا) در میان افواج سواره می‌دهد. در شوال سال ۱۳۰۰ه.ق تب نوبه بروز می‌کند. در محرم سال ۱۳۰۴ه.ق مرض نوبه زیاد می‌شود. آثار این بیماری تا سال ۱۳۰۵ باقی می‌ماند. خندق‌های اطراف شهر استرآباد از جمله مکان‌های بیماری‌زا بودند که گزارش صحنه کل مملکتی در سال ۱۳۰۶ش حکایت از وجود بیماری مالاریا در بندرگز، کردمحله و نواحی ترکمن نشین دارد. اگرچه با پر کردن خندق‌های شهر استرآباد در عصر رضاشاه، گام مهمی در مبارزه با بیماری مالاریا برداشته شد. اما گزارش صحنه کل مملکتی در سال‌های بعد وجود مالاریا تأیید می‌کند. یکی دیگر از کانون‌ها بیماری مالاریا بندرگز بود که در سال ۱۳۰۹ش اقداماتی توسط محمود شریف همایون شهردار بندرگز انجام شد. که وی آن را در خاطرات خود شرح می‌دهد.

مبارزه با مالاریا طی سال‌های مختلف جریان داشت، همین امر سبب شکل‌گیری واحد ریشه‌کشی مالاریا در ایران از جمله سرزمین گرگان شد. در سال ۱۳۲۹ و سپس سال ۱۳۴۸ مبارزه گسترده با بیماری مالاریا انجام شد. نگارنده تاکنون شواهدی دال بر آیدمی مالاریا در سرزمین گرگان مشاهده نکرده است ولی مالاریا همواره در سرزمین گرگان وجود داشت. چنانچه حتی امروز هم ممکن است خیلی اندک وجود داشته ولی کاملاً کنترل شده می‌باشد. در پایان لازم است به اطلاع خوانندگان گرامی رسانده شود که صاحب این قلم در حال پژوهش پیرامون تاریخ پزشکی سرزمین گرگان و گردآوری اسناد و تصاویر مربوط به آن است. از این فرصت استفاده می‌کنم و از همگان می‌خواهم چنانچه اطلاعات، اسناد و تصاویری از فعالیت حوزه علوم پزشکی در استان گلستان دارند از طریق آدرس فصل‌نامه می‌رداماد یا از طریق واتساپ شماره ۰۹۳۹۸۶۲۶۰۸۴ در اختیار اینجانب بگذارند. همچنین جا دارد از همکاری آقایان دکتر سیدمهدی صداقت و عبدالحمید انگیزه برای نگارش این مقاله تشکر کنم.

منابع:

- ناطق، هما. (۱۳۴۸). مصیبت ویا بلای حکومت: تهران. نشر گستره.
- بارنز، الکسس. (۱۳۶۶). سفرنامه بارنز: مشهد. انتشارات آستان قدس رضوی.
- فلور، ویلم. (۱۳۸۶). سلامت مردم در ایران قاجار: تهران. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بوشهر.
- مقصودلو، حسینقلی(وکیل الدوله) (۱۳۶۳). مخبرات استرآباد. تهران. نشر بابک.
- معینی، اسدالله. (۱۳۴۴). جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت: تهران. چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب.
- مکنزی، چارلز فرانسیس. (۱۳۹۵). سفرنامه شمال: تهران. نشر گستره.
- روزنامه‌ها. ایران (عصر ناصری) و اطلاعات
- سایت ویکی پدیا

وزارت داخله
مجلس اداره کل بهداشت
اداره
شماره
تاریخ
موضوع

کلیه اربابان طهران مری ناموسه و رگشیه یکی مرتفع کرده و ۲۸
د کتیه میان

رویت مطابق اصل است
تاریخ ۱۳/۴/۴۴
شماره ۱۴۲

سند شماره ۲

وزارت داخله
اداره کل صیحه
اداره
شماره
تاریخ
موضوع

تاریخ ۱۳/۴/۴۴
شماره ۱۴۲

تاریخ ۱۳/۴/۴۴
شماره ۱۴۲

سند شماره ۱

وزارت داخله
مجلس اداره کل بهداشت
اداره
شماره
تاریخ
موضوع

کلیه اربابان طهران مری ناموسه و رگشیه یکی مرتفع کرده و ۲۸
د کتیه میان

رویت مطابق اصل است
تاریخ ۱۳/۴/۴۴
شماره ۱۴۲

سند شماره ۴

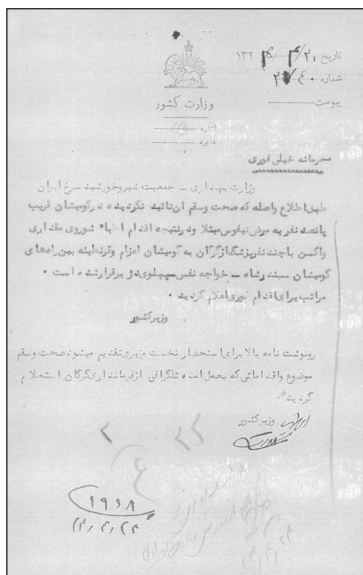
وزارت داخله
اداره کل صیحه
اداره
شماره
تاریخ
موضوع

تاریخ ۱۳/۴/۴۴
شماره ۱۴۲

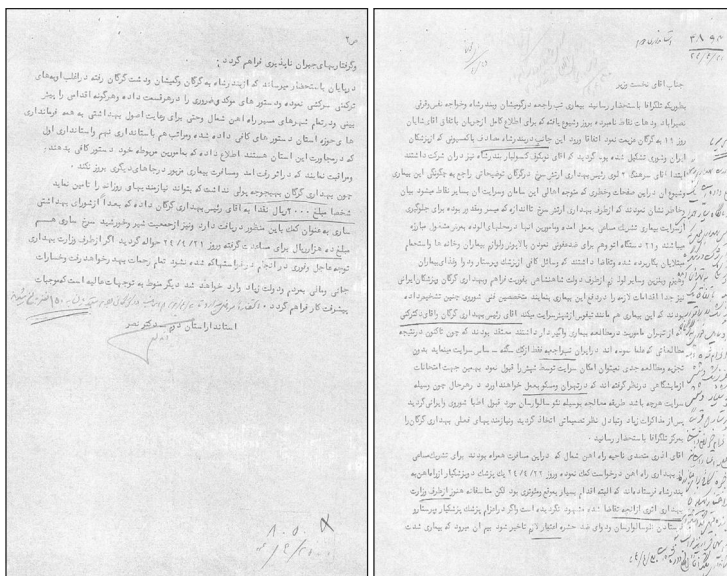
تاریخ ۱۳/۴/۴۴
شماره ۱۴۲

سند شماره ۳

میرزا



سند شماره ۵



سند شماره ۶ ص دوم

سند شماره ۶ ص اول

منیرداد